

# درآمد ضد انقلابی

گونه‌شناسی کسب درآمد در نسبت با انقلاب اسلامی

حمید رضامقصودی<sup>۱</sup>

درآمد خود را جهت کمک به محرومین مناطق مرزی کشور، به ایران ارسال می‌کند. ذکر نام ایشان به عنوان یک ایرانی دانشمند که در سطح اول دانشگاه‌ها و صنایع جهان مشغول به فعالیت است، مایه‌ی مباهات ایرانیان می‌باشد.

دو:

او یک نظامی بود. رزمنده‌ای که با تمام وجود در صف نبرد مبارزه می‌کرد. امرار معاش او نیز از همین راه بود و ماهیانه مبلغ اندکی را دریافت می‌کرد که بیش از نیمی از آن را خرج دارو و درمان مادر مریضش می‌کرد. دائماً در حال ذکر و توسل بود. با هر شلیک، حضرات اهل بیت را صدا می‌زد و شجاعتش زبان‌زد خاص و عام بود. نماز شب و دعای ابوحمزه‌ی او ترک نمی‌شد. دروغ نمی‌گفت و از نظر اخلاق، اسوه‌ی هم‌زمان خود بود. در یکی از عملیات‌ها همین‌طور که غیورانه مبارزه می‌کرد تیری به پیشانی او اصابت کرد و به درک اسفل السافلین واصل شد!

چون او در کنار هم‌زمان عراقی خود، علیه ایرانیان می‌جنگید.

پرده دوم:

یک:

مغازه او در میدان فردوسی است. از خرید و فروش ارز هر روزه سودی عاید او می‌شود. اگر دلار گران شود دلارها را نگه می‌دارد تا گران‌تر شود و اگر دلار ارزان شود تلاش می‌کند هر چه سریع‌تر دلارها را بفروشد. به‌طور کلی گرم شدن بازار خرید و فروش ارز، همواره بر درآمد او می‌افزاید، لذا او و هم‌کارانش با اجرای برنامه‌هایی نظیر تزریق ارز به بازار و یا برداشت هماهنگ ارز از بازار، سعی در گرم کردن بازار ارز می‌کنند.

دو:

ده سال پیش، در رشته‌ی حساب‌داری از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. در آزمون بانک‌داری شرکت کرد و از همان سال در بانک ملی مشغول به کار شد. به‌دلیل امانت‌داری و کار دقیق، به سرعت پله‌های ترقی را طی کرد و امسال مدیریت یکی از شعب بانک ملی در خیابان انقلاب را بر عهده گرفت

مهم این است که انسان به دنبال روزی حلال باشد. از معاصی الهی در کسب و کار پرهیز کند و در کار خود مراقبت کند که دچار غش در معامله نشود، کم‌فروشی نکند؛ گران‌فروشی نکند؛ احتکار نکند؛ از رشوه و دروغ و تخریب در معامله خودداری کند؛ ربا نگیرد و درآمد او از راه فروش آلات قمار، آلات لهو و لعب، آلات موسیقی، شراب‌فروشی و از این قبیل نباشد. ورود در مشاغلی که معاصی فوق را در بر نداشته باشد اشکالی ندارد و روزی حلال را برای او به دنبال دارد. اما بعد ...

پرده اول:

یک:

دکتر، از دانشمندان بزرگ ایرانی است. مجامع بین‌المللی او را از بزرگ‌ترین دانشمندان هوافضا می‌دانند. او صاحب یکی از کرسی‌های برتر این رشته در دانشگاه ام‌آی‌تی است. از کودکی زبان‌زد خاص و عام بود. نبوغ بالایی او موجب شد که در همان سال‌های کودکی به سرعت تمام قرآن و دیوان حافظ را حفظ کند. دوران دوازده‌ساله‌ی مدرسه را در طول هفت سال به صورت جهشی طی کرد و کسب رتبه‌ی اول در المپیاد نجوم، سیل دعوت‌نامه‌ها را از دانشگاه‌های هاروارد، ام‌آی‌تی، تورنتو، آکسفورد، کمبریج و غیره، برای ادامه‌ی تحصیل به سوی او روانه کرد. او نهایتاً ام‌آی‌تی را برگزید و راهی آمریکا شد و در رشته‌ی هوافضا، پس از اخذ مدرک عالی به سمت استادی درآمد. از آنجایی که خلاقیت و نوآوری‌های او در این دانشگاه، روز به روز بر درجه‌ی علمی او می‌افزود، بلافاصله از سوی ناسا جهت مشارکت در ساخت انواع موشک‌های حامل ماهواره‌ها و سفینه‌های فضایی دعوت به هم‌کاری شد. اکنون پانزده‌سال است که او در ناسا مشغول به هم‌کاری است و در حال حاضر یکی از مدیریت‌های حساس صنایع موشکی آمریکا را در اختیار دارد. درآمد او فقط از محل هم‌کاری با ناسا، ماهیانه هفتاد هزار دلار است.

با همه‌ی این اوصاف، او از عبادت خود نیز غافل نشده است و همه‌ساله نذر خود را در مراسمات ماه مبارک رمضان در میان ایرانیان مقیم آمریکا ادا می‌کند. هم‌چنین بیش از نیمی از

دو نگاه

شاخص اساسی و محوری این درآمدزایی را می‌توان با تعریف جبهه نشان داد

و در همین یک ساله، با سیاست‌هایی که پیاده کرد، سیل سپرده‌گذاران را به سوی این شعبه روانه کرد و ذخیره‌ی شعبه را تا دو برابر افزایش داد. این امر موجب شد که در سال جاری به‌عنوان مدیر برتر شعبه، از سوی مدیرعامل بانک مورد تشویق قرار گیرد.

سه:

زمانی که به هارون الرشید خبر دادند که صفوان کاروانچی، کاروان شتر را یک‌جا فروخته است و بنابراین برای حمل خیمه و خرگاه خلیفه در سفر حج، باید فکر دیگری کرد، سخت در شگفت ماند. در اندیشه فرو رفت که فروختن تمام کاروان شتر، خصوصا پس از آن که با خلیفه قرار داد بسته است که حمل و نقل وسایل و اسباب سفر حج را به عهده بگیرد، عادی نیست. بعید نیست فروختن شتران با موضوع قرارداد با او بستگی داشته باشد. صفوان را طلبید و به او گفت:

- شنیده‌ام کاروان شتر را یک‌جا فروخته‌ای؟

- بله یا امیرالمؤمنین!

- چرا؟

- پیر و از کار مانده شده‌ام. خودم که از عهده بر نمی‌آیم؛ بچه‌هایم هم درست در فکر نیستند، دیدم بهتر است که بفروشم.

- راستش را بگو چرا فروختی؟

- همین بود که به عرض رساندم.

- اما من می‌دانم چرا فروختی.

حتما موسی بن جعفر از موضوع

قراردادی که برای حمل و

نقل اسباب و اثاث ما بستی

آگاه شده و تو را از این کار منع

کرده است و به تو دستور داده شتران

را بفروشی. علت تصمیم ناگهانی تو این

است.

هارون آنگاه با لحنی خشونت‌آمیز و آهنگی

خشم‌آلود گفت: صفوان! اگر سوابق و دوستی‌های قدیم

نبود، سرت را از روی تنت بر می‌داشتم.

هارون درست حدس زده بود. صفوان هر چند از

نزدیکان دستگاه خلیفه به‌شمار می‌رفت و سوابق زیادی در

دستگاه خلافت، خصوصا با شخص خلیفه داشت. اما او از

اخلاص کیشان و پیروان و شیعیان اهل بیت بود. صفوان پس از

آن که پیمان حمل و نقل اسباب سفر حج را با هارون بست، روزی

با امام موسی بن جعفر علیه‌السلام برخورد کرد، امام به او فرمود:

- صفوان! همه چیز تو خوب است چیز یک چیز.

- آن یک چیز چیست یا ابن رسول الله؟!

- این که شترانت را به این مرد کرایه داده‌ای!

- یا ابن رسول الله! من برای سفر حرامی کرایه نداده‌ام.

هارون عازم حج است، برای سفر حج کرایه داده‌ام. به علاوه

خودم همراه او نخواهم رفت، بعضی از کسان و غلامان خود

را همراه کاروان می‌فرستم.

- صفوان! یک چیز از تو سؤال می‌کنم.

- بفرمایید یا ابن رسول الله!

- تو شتران خود را به او کرایه داده‌ای که آخر کار کرایه

بگیری. او شتران تو را خواهد برد و تو هم اجرت مقرر را از او

طلبکار خواهی شد، این طور نیست؟

- بله یا ابن رسول الله!

- آیا آن وقت تو دوست نداری که هارون لااقل این قدر

زنده بماند که طلب تو را بدهد؟!

- بله یا ابن رسول الله.

- هر کس به هر عنوان دوست داشته باشد ستمگران باقی

بمانند، جزء آن‌ها محسوب خواهد شد. و معلوم است هر کس

جزء ستمگران محسوب گردد، در آتش خواهد رفت.

بعد از این جریان بود که صفوان تصمیم گرفت یک‌جا

کاروان شتر را بفروشد، هر چند خودش حدس می‌زد ممکن

است این کار به قیمت جانش تمام شود!

آیا صفوان دچار گناه‌هایی شده بود که در ابتدای این نوشته

به آن‌ها اشاره شد؟

پرده سوم:

یک:

هر روز صبح بلافاصله پس از نماز راهی بازار می‌شود

و مغازه‌ی خود را باز می‌کند. کاسب منصفی است و همیشه

اجناس مغازه‌ی او چند درصدی ارزان‌تر از هم‌کارانش است.

اخلاق نیکو، دست خیر، رعایت حق الناس و مراعات

حال مشتری از خصوصیات بارز او است. از همه

مهم‌تر همیشه در حال ذکر گفتن است و دور

و بری‌های خود را از بحث‌های سیاسی و

شرکت در برنامه‌های حکومتی که غالبا

انسان را وادار به غیبت و تهمت

می‌کنند و آخرت انسان را تباه

می‌سازند برحذر می‌دارد و

سخت‌کوشی و تلاش را در کسب

حلال ترویج می‌کند.

دو:

مرد زاهدی بود که به حضرت رسول

صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام

ارادت داشت. در سال‌های آخر عمرش قبری برای

خود کنده بود و به طور شبانه‌روزی در آن قبر به عبادت

می‌پرداخت. زمانی که خبر شهادت امام حسین علیه‌السلام را

به او دادند، برای لحظاتی ذکر گفتن خود را قطع کرد و بر

قاتلین حسین علیه‌السلام لعن و نفرین فرستاد. اما پس از چند

لحظه که به خود آمد، دریافت که عجب خبط بزرگی انجام

داده‌است! لذا تا آخر عمر نسبت به این که کلامی بجز ذکر

خداوند گفته‌است استغفار می‌کرد.

در ابتدای این نوشته به شاخص‌هایی اشاره شد که عرف

امروز جامعه‌ی متدینین، با توجه به محتوای منابع و رساله‌های

عملیه، آن‌ها را شاخص‌های اساسی در کسب روزی حلال

می‌دانند و مشاغلی را که این شاخص‌ها را رعایت می‌کنند،

مشاغل مشروع می‌دانند. با دقت در محتوای مطالب سه‌پرده‌ی

فوق، می‌توان شاخص‌هایی را استخراج کرد که نه تنها در

ابتدای این نوشتار که در بسیاری از رساله‌های عملیه‌ی مراجع

دینی از شیخ طوسی تا به امروز نیز مشاهده نمی‌شوند و شاید

عدم تعامل این علما با مسائل حکومتی را بتوان عامل این

#### دو نگاه

در شرایطی که حکومت کفر علیه حکومت دینی جبهه‌گیری نکرده است - اگر چنین شرایطی قابل فرض باشد - شاید شاخص‌های متعارف که حدود درآمد مشروع را نشان می‌دهند و شاخص‌ها در درگیری درونی فردی با شیطان را تعریف می‌کنند، اما در جبهه‌گیری حکومتی و ذیل نظامات اجتماعی، تعریف تغییر می‌کند و چتر مقابله‌ی انقلابی، سنگرها را تغییر می‌دهد

نیستند اما محمل‌هایی را برای حرکت جریان کفر در جهان فراهم می‌کنند که جریان کفر با استفاده از این محمل‌ها روز به روز سیطره‌ی خود را بر جهان تقویت می‌کند. گسترش قالب‌های اساسی نهادها و نظامات جریان کفر، چون نظام اقتصادی مبتنی بر دلار، نظام بانک‌داری و بورس و شرکت‌های سرمایه‌داری که اقتصاد سرمایه‌داری سوار بر این مرکب‌ها به حیات خود ادامه می‌دهد را می‌توان در این راستا برشمرد. کسب درآمد در نظام علمی موجود، بدون مقاومت در برابر معضلات دانشگاهی که تقویت‌کننده‌ی بنیه‌ی علمی فردگرایانه‌ی مبتنی بر فلسفه‌ی لائیک است و شهروندان مطیع برای نظام سرمایه‌داری تربیت می‌کند نیز، محمل‌سازی برای جبهه الحاد است.

### سنگر سوم:

#### در جبهه حق یا بی‌طرف؟

محدوده‌ی سنگر سوم را بی‌سنگری تعریف می‌کند. در جبهه‌ی انقلاب اسلامی، عدم حضور در جبهه مساوی با حضور در جبهه‌ی کفر است. بی‌تفاوتی، سکوت، مشغولیت تام به زندگی روزمره و بی‌تفاوتی نسبت به آرایش جبهه‌های کفر و اسلام، دامی است که از صدر اسلام تا به امروز افراد زیادی را گرفتار ساخته است. لذا درآمد حاصل از مشاغلی که بر این آرایش تأثیری ندارند، درآمد انقلابی به‌شمار نمی‌آیند. ■

#### بی‌نوشت:

۱- دانشجوی دکتری اقتصاد

#### دو نگاه

- کسب درآمد در نظام علمی موجود، بدون مقاومت در برابر معضلات دانشگاهی که تقویت‌کننده‌ی بنیه‌ی علمی فردگرایانه‌ی مبتنی بر فلسفه‌ی لائیک است و شهروندان مطیع برای نظام سرمایه‌داری تربیت می‌کند نیز، محمل‌سازی برای جبهه الحاد است

امر دانست. چرا که فقه ما تنها وظیفه‌ی خود را پاسخ‌گویی منفعلانه می‌داند و تا سؤال نباشد جواب نیز مشاهده نمی‌شود. از آنجایی که وجود شاخص‌های متعارف فوق در درآمدزایی افراد، عنوان درآمد مشروع را بر آن‌ها بار کرده و معنا در این کلام منصرف شده است، عنوانی دیگر را بر می‌گزینیم که توان تحمل شاخص‌های جدید را داشته‌باشد: «درآمد انقلابی». شاخص اساسی و محوری این درآمدزایی را می‌توان با تعریف جبهه نشان داد. شاغل انقلابی در همه‌ی سطوح زندگی خود تلاش می‌کند جایگاه عمل خود را در توازن قوا به سمت جبهه‌ی اسلام و یا جبهه‌ی کفر شناسایی کرده و نسبت به گونه‌ی تأثیرگذاری بر این توازن قوا تصمیم‌گیری کند. در شرایطی که حکومت کفر علیه حکومت دینی جبهه‌گیری نکرده است - اگر چنین شرایطی قابل فرض باشد - شاید شاخص‌های متعارف که حدود درآمد مشروع را نشان می‌دهند و شاخص‌ها در درگیری درونی فردی با شیطان را تعریف می‌کنند، کفایت کند. اما در جبهه‌گیری حکومتی و ذیل نظامات اجتماعی، تعریف تغییر می‌کند و چتر مقابله‌ی انقلابی، سنگرها را تغییر می‌دهد. می‌توان سه سنگر از دژ دفاع اقتصادی را در محتوای سه پرده‌ی فوق ترسیم کرد که انتخاب شیوه‌ی درآمدزایی مناسب، استحکام این دژ را به‌دنبال خواهد داشت.

نکته: همه‌ی سنگر‌هایی که معرفی می‌شوند این فرض ضمنی را به‌دنبال دارند که فرد به هیچ وجه نیت تضعیف جبهه‌ی حق را ندارد و حتی بالاتر از این، خود را فردی انقلابی می‌داند.

### سنگر اول:

#### تقویت بنیه‌ی کدام جبهه؟

برخی از مشاغل علی‌رغم ظاهر بسیار موجه، علمی و آکادمیک خود، به‌طور مستقیم و البته در پاره‌ای از موارد ذاتا موجب تقویت یکی از دو جبهه می‌شوند. لذا اگر شغلی که از سوی فرد انتخاب می‌شود شغلی باشد که ذاتا موجب تقویت جبهه‌ی حق شود، این شغل را می‌توان شغل انقلابی و درآمد حاصل از آن را نیز درآمد انقلابی دانست. به عنوان مثال، مشاغلی که حضور در آن‌ها موجب شرکت فعال مردم در انتخابات می‌شود و تنور انتخابات را گرم می‌کند، می‌تواند از مشاغلی باشد که امروزه تقویت جبهه‌ی انقلاب اسلامی را به‌دنبال دارد و حضور در این مشاغل هم‌چون جنگیدن در صف اول جبهه‌ی انقلاب است. از دیگر سو، خدمت در جایگاه‌هایی چون شرکت‌های بین‌المللی و قدرت‌های نظامی و صنایع پیشرفته‌ی ابرقدرت‌هایی که دشمن انقلاب اسلامی به‌شمار می‌روند را می‌توان جنگیدن در صف اول جبهه‌ی کفر دانست. لذا این درآمد نه‌تنها درآمد انقلابی نیست که درآمد ضدانقلابی به‌شمار می‌آید.

### سنگر دوم:

#### محمل کدام جبهه؟

برخی مشاغل به‌طور مستقیم مشارکت در جبهه‌ی کفر